



گزارشی از حواشی اکران فیلم جدید
کارگردان صهیونیست در لبنان
ماجرای فیلمی که سید
دبیر کل روی آن دست
گذاشت

۳

بیت المقدس

دکتر مازن الشریف رئیس سازمان بین المللی
امنیت فراگیر تونس در گفت و گو با بیت المقدس:
وجدان بین المللی باید
نسبت به انحراف وهابیت
آگاه شود



۲

ششمه هفتگی جهان اسلام روزنامه قدس شماره ۵۱ دوشنبه ۹ بهمن ۱۳۹۶ ۱۱ جمادی الاول ۱۴۳۹ ۲۹ ژانویه ۲۰۱۸

گزارش «بیت المقدس» از تجاوز ارتش ترکیه به «عفرین»

«شاخه زیتون»؛ تقاضای ترکیه برای تقویت تروریسم در سوریه

۴





آل خلیفه رهبر جمعیت الوفاق بحرین را برای چندمین بار محاکمه می کند بحرین پنجمین جلسه محاکمه شیخ علی سلمان رهبر جمعیت الوفاق را به اتهام توطئه و جاسوسی برای قطر به ۱۹ فوریه (۳۰ بهمن) موکول کرد. شیخ علی سلمان در جلسه پنجشنبه گذشته خطاب به قاضی گفت: صدای ضبط شده از مکالمات بین من و وزیر خارجه سابق قطر (که دادگاه به آنها استناد نموده) کامل نیست و قسمت هایی از آن حذف شده است و قسمت های حذف شده در خصوص واسطه گری (بین نظام بحرین و مخالفان آن) و زمینه سازی برای انجام گفتگو بوده است. شیخ علی سلمان در پی انقلاب ۱۴ فوریه بحرین، سه سال پیش بازداشت و به تحمل ۴ سال حبس محکوم شده است و سال آینده مدت محکومیتش به پایان می رسد.

ضمیمه هفتگی جهان اسلام و روزنامه قدس

قلب زمین

سخن نخست

روزگار شفافیت مرزبندی های «حماس»

محمد مهدی رحیمی



حدود ده روز قبل بخش هایی از نامه اخیر «اسماعیل هنیه» رئیس دفتر سیاسی حماس خطاب به رهبر معظم انقلاب اسلامی منتشر شد. نفس ارسال این نامه، فارغ از محتوای آن، در شرایط کنونی منطقه غرب آسیا بسیار حائز اهمیت است اما با مروری بر بند بند این نامه در می یابیم که نامه هنیه از باب محتوا و عبارات هم بسیار قابل توجه و مهم است. باید در نظر داشت که این اولین نامه (منتشر شده) از سوی رئیس جدید دفتر سیاسی حماس خطاب به ایران است و البته در شرایطی ارسال شده که موضوع فلسطین در چند هفته اخیر به دلیل اقدام ترامپ در به رسمیت شناختن قدس به عنوان پایتخت رژیم صهیونیستی، در به توجه جهانیان قرار گرفته و طبیعتاً اخبار آن و از جمله اقدامات حماس بسیار بیش از گذشته مورد توجه قرار گرفته و دیده می شود.

چند سال قبل و در ابتدای بحران سوریه، که بخشی از مقامات و کادر حماس مواضع مشکوک و پراهمی در باره فتنه شام اتخاذ کرده بودند، در یادداشتی با عنوان «جذب حداکثری نسخه های ایران تا فلسطین» نوشته «حمایت ما از حماس، جهاد اسلامی، حزب الله و... پیش و پیش از آنکه تاکتیکی باشد اعتقادی است. ما بر اساس کلام امام روح الله مامور به وظیفه ایم پیش از آنکه نتیجه برمان مهم باشد» و نتیجه گرفته بودم «اگر حماس حقیقتاً آنگونه که می گوید هنوز هم به دنبال مبارزه تانلودی اسرائیل باشد، در باز دیده حقیقت اهداف حلیان دغل باز افشای بی خواهد بود و لا جرم قصد آغوش حامی حقیقی اش را خواهد کرد ما باید آغوشمان را تا آنروز، که دور نخواهد بود، باز نگه

داریم». اکنون نشانه های مختلفی دال بر تمای حماس برای برقراری ارتباط گسترده تر با ایران وجود دارد که آخرین آن نامه هنیه است و البته پیش تر هم در آبان ماه، شاهد حضور هیئتی عالی رتبه از این جنبش در کشورمان بودیم. اما این فقط بخشی از ماجراست. به نظر من آنچه مهم تر است بی بردن این جنبش فلسطینی به ماهیت حقیقی حلیان دغل باز است. مگرانی که در چند سال گذشته تلاش کردند بانفوذ در جنبش های مقاومت فلسطینی در لباس دوست، آنها را از مسیر درست شان منحرف کنند. اما اکنون رئیس دفتر سیاسی حماس به صراحت در چند جای نامه اش بی بردن به ماهیت آنها و توطئه های شان

سخن می گوید. هنیه در جایی آنها را رهبران شکست خورده معرفی کرده و به عادی سازی روابط با رژیم اشغالگر قدس متهم می کند و می نویسد «امریکا برخی حاکمان شکست خورده در صددند به مسئله فلسطین و مقاومت در مقابل رژیم اشغالگر پایان دهند تا رهبری که برای رضایت آمریکا و اسرائیل لاله می زند نتوانند روابط خود را با رژیم صهیونیستی عادی و بر ملا کنند و مقابل باجهت دادن دشمنی های سمات ایران و تحریک تعصبات شیعه و سنی، قطب نمای امت اسلامی را منحرف سازند» و البته نشان می دهد که به ماهیت نقشه طراحی شده برای ایجاد جنگ فرقه ای بین مسلمانان پی برده است، توطئه های که مقامات جمهوری اسلامی از ابتدای بحران سوریه بر آن تاکید داشتند.

رئیس دفتر سیاسی حماس با نام بردن از کنفرانس ریاض و نیز اشاره به «توطئه بزرگی که در پایتخت های دور و نزدیک برای پایان دادن به مسئله فلسطین» از سوی دونالد ترامپ طراحی شده، عملاً مرزبندی حماس با عربستان، امارات و برخی کشورهای عربی هم نوا با آنها را علنی می کند. اهمیت این خط کشی زمانی مضاعف می شود که به یاد بیاوریم که در سال های اخیر مقامات سابق حماس بارها به عربستان سفر کرده و در بازی طراحی شده دشمنان فلسطین متأسفانه به ایفای نقش پرداختند.

هنیه در همین حال بارها حمایت ملایم ایران را از سرزمین فلسطین قدر دانی کرده و مواضع ثابت و روشنگر رهبر انقلاب اسلامی که نقشی برانگیزاننده برای خیزش امت داشته، را می ستاید و در جایی دیگر می نویسد «بی شک ایران با هدایت های بزرگوارانه رهبر معظم انقلاب اسلامی، بر تری بزرگی در تقویت مجاهدین و ریشه دار کردن گزینه مقاومت و مبارزه در فلسطین داشته و خواهد داشت».

در مجموع ارزیابی اقدامات و اظهارات مقامات سیاسی و نظامی جنبش مقاومت اسلامی فلسطین در چند ماه گذشته به صراحت نشان می دهد که حماس بادرس گرفتن از تحولات چند سال گذشته غرب آسیا و در پی تغییرات صورت گرفته در آن، به مسیر صحیح مبارزه با اشغالگران با جدیتی مضاعف بازگشته است. از سوی دیگر تحولات جهانی در پی اقدام ترامپ در باره بیت المقدس، زمینه بهتری در داخل و خارج از فلسطین برای دنبال کردن حقوق فلسطینیان مظلوم فراهم کرده است، همه اینها نوید بخش روزهای بهتری در پیش روی محور مقاومت است. جبهه های که با رقم زدن موفقیت های متعدد در سوریه، عراق و یمن، از همیشه قدرتمند تر و بالغ تر شده است.

دکتر مازن الشریف رئیس سازمان بین المللی امنیت فراگیر تونس در گفت و گو با بیت المقدس:

جوادی

وجدان بین المللی باید نسبت به انحراف و هابیت آگاه شود



اگر چه با اعلام رسمی سردار قاسم سلیمانی به عنوان فرمانده ارشد جبهه مقاومت اسلامی مبنی بر پایان دولت داعش در سوریه و عراق، عملار و یای تشکیل حکومت تکفیری ها در این مناطق نقش بر آب شده و سایر جریانات تکفیری حاضر در شام هم رو به افول هستند، اما تردیدی نیست که تفکر تکفیری و ریشه های آن هنوز بطور گسترده وجود دارد و مبارزه با آن با جدیت باید دنبال شود. در همین چارچوب با «دکتر مازن الشریف رئیس سازمان بین المللی امنیت فراگیر در تونس» به گفت و گو نشستیم که در ادامه می خوانید:

حضرت آیت الله خامنه ای در پیامی به اجلاس علمای مقاومت در بیروت بر لزوم دنبال کردن انواع مختلف مقاومت در مبارزه با رژیم صهیونیستی تاکید داشتند. شما این تقسیم بندی را چگونه تفسیر می کنید؟ و به چه شکل می توان انواع مقاومت را به کار گرفت؟

مقاومت یک عمل برای مقابله با دشمن و عقب راندنش است. این عمل فقط نظامی و میدانی نیست. البته عمل نظامی بر اساس ضرورت و مقتضای شرایط استفاده می شود و ارزش بالایی هم دارد. جنگ های میدانی ای که در سال ۲۰۰۶ بر محور مقاومت تحمیل شد و درگیری های میدانی دیگر در سوریه و یمن از این جنس است. اما مقاومت و دفاع گونه های دیگری هم دارد که از جنبه های نظامی فراتر می روند.

مقاومت فکری و فرهنگی ارزشش کمتر از مقاومت نظامی نیست. مقاومت از طریق سرودن یک قصیده پر نغز، اتخاذ یک موضع شجاعانه، مقاومت عقیدتی و آنچه که ما "تصوف مقاوم" می نامیم. مثلاً در مغرب عربی عقیده صوفیه باعث عقب راندن دشمن و شکل گیری مقاومتی شد که بر

عقیده تصوف متکی بود. می توان به دوره های تاریخی مختلفی اشاره کرد. اما من برای اختصار فقط به دوره استعمار اشاره می کنم، یعنی زمانی که شیخ عمر مختار که از پیروان و شیوخ طریقت سنوسی بود در برابر استعمار خارجی ایستاد و در راه لیبی جهاد کرد و همچنین فرزندان شیخ عبدالقادر محمد که از سال ۱۸۴۵ تا ۱۹۰۴ برای جهاد در مقابل استعمار فرانسه در الجزایر و مغرب و همینطور شیخ بوعمامه که از طریقت شیخی بود و امثال اینها نمونه های مقاومت تصوف و مقابله با استعمار بوده اند.

لذا مقاومت می تواند فرهنگی، فکری و نوآورانه باشد همچنانکه می تواند هنری (هنر والا) و عقیدتی باشد.

داعش در سوریه و عراق تقریباً نابود

داعش در نهایت یک اندیشه بر گرفته از وهابیت و آموزه های ابن تیمیه است که از دین برای خود یک پوشش دروغین ساخته اما متأسفانه در مساجد و رسانه ها تبلیغ و ترویج می شود



شده است. آیا فکر می کنید اندیشه داعش هم با شکست نظامی و میدانی این جماعت تروریستی از بین می رود یا باقی می ماند؟ مبارزه فکری دشوارتر از مبارزه نظامی است. شاید بتوان به راحتی بر یک گروه سبزه جو فائق آمد و به لحاظ تاکتیکی پیروز شد، اما نمی توان به راحتی افکارشان را از ایشان گرفت. اندیشه در رسانه های اجتماعی انتشار می یابد چه از طریق برنامه ها و چه کتابها و این اندیشه های منحرف در میان جوانانی که از معنویت خالی هستند و یا در زندگی شان معنایی وجود ندارد که تعدادشان هم متأسفانه کم نیست، رواج می یابد. ما هم به مقاومت فکری و اندیشه ای نمی پردازیم و حکومت هایمان هم از برنامه های فکری، عقیدتی و روشنگرانه برای مقابله با پروژه های تاریک اندیشه حمایت نمی کنند و همین نقص و کمبودهاست که باعث انتشار افکار منحرف تکفیری و وهابی و داعشی تا امروز شده است. داعش در نهایت یک اندیشه بر گرفته از وهابیت و آموزه های ابن تیمیه است که از دین برای خود یک پوشش دروغین ساخته اما متأسفانه در مساجد و رسانه ها تبلیغ و ترویج می شود. باید این روند را متوقف کنیم و وجدان بین المللی نسبت به این امر هوشیار باشد. امروز مهم ترین رهبران این اندیشه منحرف در عربستان هستند در حالیکه محمد بن سلمان از بازنگری در این اندیشه سخن می گوید و اعتراف می کند که عربستان طی سالهای گذشته در این زمینه اشتباه عمل کرده است و حتی خود پادشاه سعودی در روسیه اذعان کرد که مرتکب اشتباه شده اند. امیدوارم مسئولان سعودی در حرف هایشان صداقت داشته باشند و در سیاست هایشان بازنگری کنند، چرا که این اندیشه در طی تاریخ ثابت کرده که ویرانگر است. کسی که کتاب عنوان "المجد فی تاریخ نجد" اثر عثمان بن عبدالله بن بشر النجدی یا کتاب "نجد" ابن غنم را بخواند می بیند چه جنایت هایی به وقوع پیوسته است، چه کشتارهایی به نام دین صورت گرفته است. بله داعش به لحاظ میدانی و نظامی به پایان خود رسیده اما به عنوان یک اندیشه و در قالب سازمان های کوچک همچنان ادامه دارد.



هیئتی از جنبش انصارالله یمن برای گفتگو عازم عمان شد

یک هیئت بلندپایه از جنبش انصارالله یمن برای گفتگوهای سیاسی عازم مسقط پایتخت عمان شد. بر اساس این گزارش، ریاست این هیئت بلندپایه را «محمد بن عبدالسلام» سخنگوی انصارالله برعهده دارد. گفتنی است که نماینده ویژه سازمان ملل در امور یمن پیش از این از پاسخ مثبت طرف های یمنی به تلاش ها برای از سرگیری روند سیاسی این کشور خبر داده بود. «اسماعیل ولد الشیخ احمد» در عین حال از همه طرف ها خواست با حسن نیت گام های موثری را برای تضمین شرایط مناسب روند سیاسی یمن بردارد.

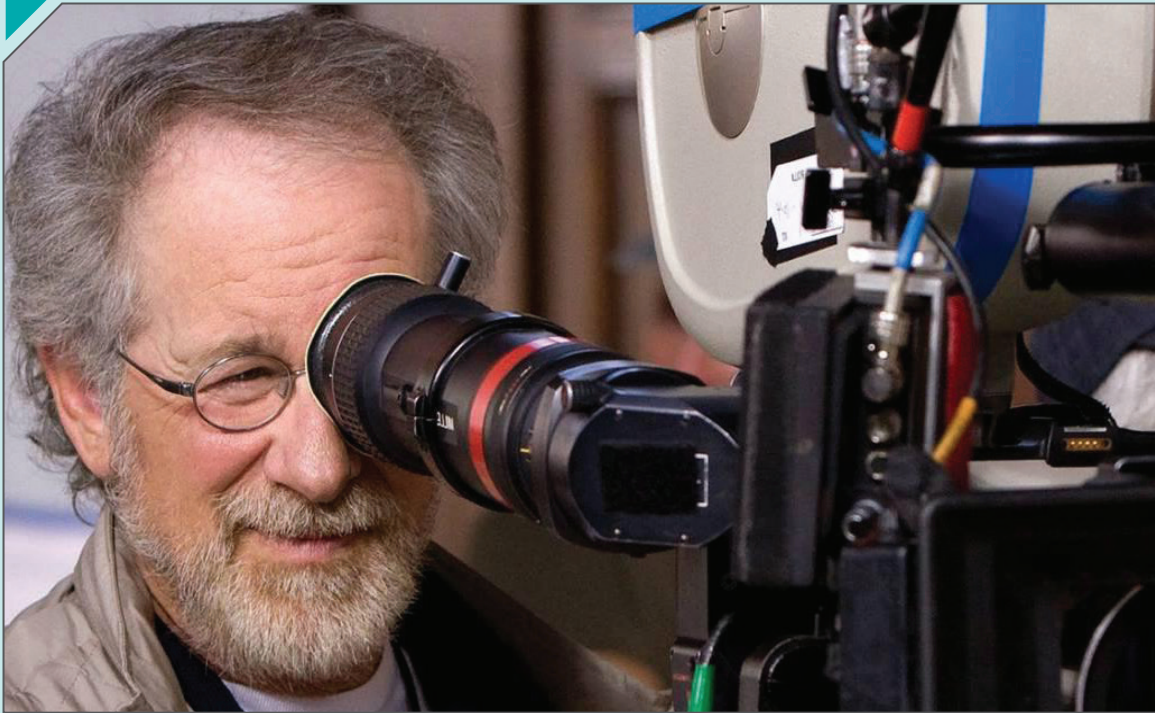
اسلام انقلابی

گزارشی از حواشی اکران فیلم جدید کارگردان صهیونیست در لبنان

مهرداد خلیلی



ماجرای فیلمی که سید دیرکل روی آن دست گذاشت



«مشکل ما با خود فیلم نیست بلکه با کارگردان آن است، این کارگردان در لیست سیاه اتحادیه عرب قرار دارد و تصمیم ستاد تحریم اتحادیه عرب که نماینده لبنان نیز در آن جلسه حضور داشت بر تحریم این کارگردان و آثار وی تاکید دارد چرا؟» انه به خاطر فلسطین فقط بلکه به خاطر لبنان، این کارگردان در سال ۲۰۰۶ حمایت خود از تجاوز اسرائیل به لبنان را اعلام کرده بود»

این جملات که ده روز قبل به مناسبت چهلمین روز درگذشت حاج فائز مغنیه و سومین سالگرد شهدای قنيطرة بر زبان دبیر کل حزب الله لبنان جاری شد کفای بود تا جنجال اخیری که به نقل محافل رسانه ای و اجتماعی جریان مقاومت تبدیل شده رنگ و بوی جدی تری به خود بگیرد اما به راستی ماجرا از چه قرار است؟!

ظاهر ماجرا به اکران فیلم جدید استیون اسپیلبرگ در سینماهای لبنان برمی گردد. فیلم «پست» که درباره افشاگری روزنامه واشنگتن پست در خصوص جنگ ویتنام ساخته شده و واکنش های منفی را در لبنان به راه انداخته امانه به خاطر خود فیلم بلکه به دلیل سابقه سیاه کارگردان این فیلم در حمایت از جنایات اسرائیل.

کارگردانی به سبک اسپیلبرگ، وقتی هنر رنگ خون می گیرد

در بحبوحه جنگ ۳۳ روزه لبنان بود که استیون اسپیلبرگ کارگردان مشهور هالیوود که دست بر قضا از پیروان دین یهودیت می باشد با اعلام حمایت کامل خود از این جنگ خانمان سوز، مبلغ یک میلیون دلار از ثروت خود را در اختیار ارتش اشغالگر قدس قرار داد. بعد از این اقدام اسپیلبرگ، اتحادیه عرب در سال ۲۰۰۷ با صدور فرمانی، پخش فیلم های این کارگردان را ممنوع کرد، گرچه بعدها با حذف اسم وی، فیلم هایش بی سروصدا به اکران عمومی درآمد. خوش خدمتی اسپیلبرگ به اسرائیلی ها به همین جانی شود، وی در آثار خود همیشه هوای دوستان صهیونیستش را داشته و همواره سعی در القای حق قانونی تشکیل اسرائیل در سرزمین فلسطین را داشته است.

عادی سازی، پروژه های پیچیده

پروژه عادی سازی روابط با رژیم صهیونیستی و عادی کردن وجود این رژیم اشغالگر در بین جوامع اسلامی سالهاست که کلید خورده اما همواره با واکنش های منفی جوامع اسلامی روبرو شده است. «باقر کرکی» کارشناس امور رسانه ای و استاد دانشگاه المعارف بیروت در خصوص چرایی عدم پخش فیلم پست ساخته استیون اسپیلبرگ و سختی های این مسئله به خبرنگار بیت المقدس می گوید: مقاومت مسلحانه و همچنین جامعه متدین و نیازهای جامعه مقاومت همه و همه یک سری اولویت ها برای مادرست کرده است که ما را مجبور می کند که خارج از موسسات و سازمان دولت

لبنان به فعالیت خود ادامه دهیم، این مسئله باعث شد که ما از نظر فرهنگی از سایر گروه های اجتماعی لبنانی که از نظر فرهنگی کاملاً غرب زده هستند تأثیر پذیری نداشته باشیم چرا که ما در نقطه مقابل غرب زدگی اکثریت جامعه قرار داریم. کرکی در خصوص جریان شناسی فرهنگی در داخل لبنان گفت: جریان فرهنگی در داخل لبنان بین این دو محور (غرب زده - مقاومت) تقسیم می شود البته بعد از جنگ ۳۳ روزه که باعث تقویت روابط بین گروه های مختلف مردم در داخل لبنان شد، برخی سعی در ایجاد نوعی نفوذ فرهنگی در میان پایگاه مردمی جریان مقاومت داشتند که به برکت مقاومت و خون شهدا این نفوذ ها به مرحله تهدید نرسید.

وی ادامه داد: سینما یکی از وسایل اساسی جنگ نرم است و سینمای جهانی و خصوصاً هالیوود یکی از سلاح هایی است که صهیونیسم بر آن تسلط کامل دارد. صهیونیست ها حتی یک روز را هم برای ارائه یک چهره نمونه از صهیونیسم غفلت نکردند و این در حالی است که متأسفانه امروزه گروه های فرهنگی در داخل جریان مقاومت که اغلب افراد وابسته به آنها افراد لیبرال و لائیک و چپ گرا هستند مشکلی با نوع فیلم هایی که در این صنعت جهانی منتشر می شود ندارند و الان برایشان سخت است که قبول کنند جلوی پخش فیلمی گرفته شود که کارگردانش یکی از ستون های این صنعت را تشکیل می دهد.

این استاد دانشگاه ادامه داد: ما امروز در یک نبرد فرهنگی هستیم، نه برای اینکه خودمان را از بقیه جدا کنیم بلکه می خواهیم به طرف مقابل بفهمانیم که ما چگونه فکر می کنیم و دلیلی که باعث می شود در اثر پخش این فیلم احساس اهانت کنیم و اینکه کارگردان فیلم یک صهیونیست است که بعد از جنگ ۳۳ روزه همواره صهیونیست ها را با فعالیت های خود حمایت می کرده و اینکه هر کسی از ستاره های جهانی این صنعت تازمانی که فیلم هایی بسازد که به حکومتی کمک کند که ما را کشته و آواره کرده باید با آن برخورد شود.

ما امروز در یک نبرد فرهنگی هستیم، نه برای اینکه خودمان را از بقیه جدا کنیم بلکه می خواهیم به طرف مقابل بفهمانیم که ما چگونه فکر می کنیم و دلیلی که باعث می شود در اثر پخش این فیلم احساس اهانت کنیم و اینکه کارگردان فیلم یک صهیونیست است که بعد از جنگ ۳۳ روزه همواره صهیونیست ها را با فعالیت های خود حمایت می کرده





حمایت از مبارزه مسلحانه در میان فلسطینی‌ها دو برابر شده است

بر اساس نتیجه نظرسنجی که اخیراً منتشر شد حمایت از مبارزه مسلحانه در بین فلسطینی‌ها در شش ماه گذشته تقریباً دو برابر شده است. تایمز اسرائیل گزارش داد این افزایش به احتمال زیاد با تصمیم دونالد ترامپ رئیس‌جمهور آمریکا در به رسمیت شناختن قدس اشغالی به عنوان پایتخت اسرائیل ارتباط دارد. این نظرسنجی مشخص کرد اکثریت یهودیان در سرزمین اشغالی و اکثریت فلسطینی‌ها دیگر به راه حل دو کشور مستقل به عنوان راهی ممکن برای پایان دادن به مناقشه فلسطین و رژیم صهیونیستی اعتقادی ندارند. این نظرسنجی توسط مرکز تامی اشتینمتر برای تحقیقات صلح در دانشگاه تل آویو و مرکز سیاست و تحقیقات فلسطین در رام الله برگزار شد.

ضمیمه هفتگی جهان اسلام روزنامه قدس

قلب زمین

گزارش «بیت المقدس» از تجاوز ارتش ترکیه به «عفرین»

رامین حسین آبادیان



«شاخه زیتون»؛ تقاضای ترکیه برای تقویت تروریسم در سوریه



مدت‌هاست که قدرتهای بزرگ و البته پوشالی، در عرصه تحولات منطقه‌ای و بین‌المللی از مسئله «مبارزه با تروریسم» به عنوان شعاری پوچ و سراسر توخالی به منظور جامه عمل پوشاندن به اهداف شوم خود به قیمت از دست رفتن منافع و مصالح ملت‌های مظلوم و بی‌دفاع، بهره‌برداری می‌کنند. این بار اما به نظر می‌رسد که نوبت به ترکیه رسیده تا در دنباله‌روی از قدرت‌هایی که خود را کدخدای جهان می‌دانند و می‌نامند، به اتخاذ سیاست‌های مخرب یکجانبه‌گرایانه علیه دولت‌ها و ملت‌های منطقه مبادرت ورزد. در همین ارتباط، چندی پیش ستاد مشترک ارتش ترکیه از آغاز عملیات نظامی این کشور در شمال سوریه یعنی در شهر کردنشین «عفرین» خبر داد. دولت‌مردان آنکارا اعلام کردند که این عملیات با هدف مبارزه با تروریسم و خشکاندن ریشه‌های آن کلید خورده است. این در حالی است که اقدام یکجانبه آنکارا در به راه انداختن جنگی جدید در شمال سوریه و اکنش دولت‌مردان دمشق را به دنبال داشته است. دولت دمشق صراحتاً اعلام کرده که هیچ مجوزی برای حضور نظامیان ترک در خاک خود صادر نکرده است. حملات چندروز گذشته ارتش ترکیه به شهر کردنشین عفرین موجب کشته شدن شماری از غیرنظامیان شده؛ مسئله‌ای که هدف اعلامی ترکیه از انجام عملیات را تحت‌الشعاع قرار داده است و نشان می‌دهد آنکارا در واری این عملیات، اهداف دیگری را دنبال می‌کند که حاضر نیست صراحتاً از آن سخن بگوید.

مبارزه با تروریسم؛ شعار یا واقعیت

همانگونه که پیشتر گفته شد، مقامات آنکارا مدعی هستند که هدف اصلی از عملیات «شاخه زیتون» در شمال سوریه نابودی تروریست‌های تکفیری است. این در حالی است که سلسله تحولات میدانی کاملاً برعکس این ادعا را نشان می‌دهد. طبق اعلام سازمان ملل متحد، از زمان آغاز عملیات نظامی ترکیه در سوریه بیش از ۱۲۰ هزار غیرنظامی آواره شده و در حال حاضر بیش از ۳۰۰ هزار غیرنظامی نیز در معرض آوارگی قرار دارند. در همین حال، ده‌ها غیرنظامی نیز در جریان حملات نیروهای ترک، کشته و یا زخمی شده‌اند. از سوی دیگر، از همان ساعات اولیه آغاز عملیات تجاوز کارانه ترکیه در شمال سوریه، عناصر گروه تروریستی موسوم به «ارتش آزاد» که تحت حمایت ترکیه هستند، موفق شدند خود را به مناطقی در محور شمالی رسانده و بر تعدادی از مناطق سیطره یابند؛ اتفاقی که پیش از دخالت نظامی ترکیه، تحقق آن برای ارتش آزاد، میسر نبود.

بر همین اساس، کاملاً واضح و آشکار به نظر می‌رسد که ادعای مطرح شده مقامات ترکیه در خصوص هدفشان از ورود به شمال سوریه یعنی همان مبارزه با تروریسم، یک شعار عوام‌فریبانه است تا واقعیتی قابل باور. عملیات نظامی در شهر کردنشین عفرین این مسئله را ثابت کرد که ترکیه همچنان به سیاست‌های توسعه‌طلبانه و بلندپروازانه خود در سوریه ادامه می‌دهد. اکنون و با آغاز عملیات عفرین، این شائبه به وجود آمده است که ترکیه قصد دارد مناطقی از شمال سوریه را تحت اشغال خود درآورد. حتی اگر هدف اصلی ترکیه از عملیات کنونی در شمال سوریه، اشغال محور شمالی نباشد، این واقعیت را نمی‌توان انکار کرد که آنکارا در صدد تقویت گروه‌های تروریستی به منظور قادر ساختن آن‌ها برای تسلط بر این محور است.

رؤیای تشکیل ارتش مستقل

یکی از اهداف اصلی ترکیه از عملیات نظامی در عفرین، تشکیل یک ارتش مستقل در این شهر کردنشین است؛ ارتشی که برخی از آن تحت عنوان «ارتش ۲۲ هزار نفری» ترکیه در شمال سوریه یاد می‌کنند. اعضای این ارتش در واقع همان تروریست‌هایی هستند که پیشتر و در جریان مذاکرات صلح سوریه از آنها تحت عنوان «گروه‌های تروریستی قابل مذاکره» یاد می‌شد. مقامات ترکیه‌ای با این اقدام قصد دارند در آن واحد سه هدف را محقق سازند؛ اول اینکه خطر کردها را برای همیشه از مرزهای خود دور ساخته و اجازه ندهند که تشکیل دولت مستقل کردی احتمالی تهدیدی برای امنیت ملی آنها تلقی شود. دوم آنکه طرح ایالات متحده آمریکا برای تشکیل نیروهای امنیت مرزی در محور شمالی سوریه در نطفه خفه شده و معادلات در این محور به صورت کاملاً معکوس رقم بخورد به گونه‌ای که واشنگتن دیگر نتواند همچون گذشته به حمایت‌های مالی و تسلیحاتی خود از نیروهای دموکراتیک کرد سوریه ادامه دهد. سوم آنکه، زمینه برای به زیر کشیدن «بشار اسد» به عنوان رئیس‌جمهور مشروع سوریه فراهم شده و آنکارا بتواند با قدرت بیشتری برای روی کار آوردن نیروهای تحت‌الحمایه خود در سوریه تلاش کند.

پُر کردن خلأ داعش

از جمله دیگر اهداف آنکارا در واری عملیات شاخه زیتون می‌توان به تلاش آن برای پُر کردن شکافی که پس از نابودی داعش در سوریه برای ترکیه ایجاد شده، اشاره کرد. دولت‌مردان ترکیه به این واقعیت واقف هستند که پس از نابودی تروریست‌های تکفیری سوریه، اکنون این کشور مسیر خود به سمت صلح و ثبات را آغاز کرده است. لذا مقامات آنکارا در صدد برآمدن تاروخی تازه در کالبد نیمه‌جان بقایای تکفیری‌ها در سوریه بدمند تا بدین سان، حداقل در آینده نزدیک، مانع از برقراری صلح و ثبات در این کشور شوند. شواهد و قرائن

آنکارا بسیار امیدوار است تا از رهگذر عملیات نظامی غیرقانونی کنونی در جبهه شمالی سوریه دستاوردی را به دست آورد تا بتواند از آن در جریان مذاکرات صلح سوریه آینده به عنوان اهرم فشاری بر دولت دمشق و متحدانش بهره‌برداری کند

دوخته است که خود نیک می‌داند که نه کردها آنقدر ضعیف هستند که به سادگی در برابر نظامیان ترک زانو بزنند و نه دولت دمشق و متحدانش دست‌بسته به تماشای جولان‌دهی نیروهای ترکیه در شمال سوریه می‌نشینند.

سخن پایانی

مقامات ترکیه با انجام اقدام نظامی غیرقانونی در سوریه نشان دادند که از دیدگاه آنکارا، این قوانین و موازین قاعده‌مند و ساختاری نیستند که بر فضای بین‌الملل حاکم هستند و ترکیه با اتکا به قانون جنگل به حل و فصل مشکلات، معضلات و چالش‌های خود در عرصه بین‌المللی می‌پردازد. مسیر اشتباهی که هم‌اکنون دولت‌مردان ترکیه در پیش گرفته‌اند نتیجه‌ای غیر از آنچه که آمریکایی‌ها طی حداقل چهار یا پنج دهه گذشته از تجاوزگری‌های متعدد خود در نقاط مختلف محقق ساختند، به دنبال نخواهد داشت. با توجه به دست برتر نیروهای مقاومت در عملیات بزرگ نظامی خود در شمال سوریه به ویژه در ادلب، ترکیه شانس بسیار کمی برای تحقق اهداف خود در شهر عفرین دارد. همین مسئله موجب شده تا تحرکات ترکیه در شمال سوریه نه تنها برگ برنده‌ای برای این کشور در جریان مذاکرات صلح سوریه نباشد، بلکه این کشور را در جایگاه ضعف قرار دهد؛ موضوعی که قطع به یقین به مذاق «رجب طیب اردوغان» خوش نخواهد آمد.

نیز نشان می‌دهد که رژیم صهیونیستی و همچنین رژیم‌های مترجع عرب از تجاوز نظامی ترکیه به سوریه رضایت دارند. تاکنون هیچیک از رژیم‌های مترجع عرب به مخالفت با عملیات غیرقانونی ترکیه در سوریه نپرداخته‌اند تا همین سکوت آن‌ها مهر تأییدی بر رضایتشان از اقدام آنکارا باشد.

کوبیدن آخرین میخ بر تابوت مذاکرات صلح

مقامات آنکارا با ارتکاب اشتباهات فاحش و استراتژیک خود در شمال سوریه به دنبال کوبیدن آخرین میخ بر تابوت مذاکرات صلح سوریه طی سال‌های گذشته هستند. اقدام نظامی آنکارا در شمال سوریه تحت هیچ شرایطی با تعهدات آن در جریان مذاکرات آستانه و ژنو مبنی بر تلاش برای گسترده‌تر کردن دامنه «مناطق کاهش تنش» همخوانی ندارد. به همین دلیل، عملیات نظامی شاخه زیتون، اقدامی «یکجانبه‌گرایانه» بوده که نه تنها موجب حل و فصل بحران سوریه نمی‌شود، بلکه آتش جنگ در این کشور را بیش از پیش شعله‌ور خواهد کرد و موجب کورت شدن گره کلاف پیچیده این بحران خواهد شد. اینگونه که به نظر می‌رسد، آنکارا بسیار امیدوار است تا از رهگذر عملیات نظامی غیرقانونی کنونی در جبهه شمالی سوریه دستاوردی را به دست آورد تا بتواند از آن در جریان مذاکرات صلح سوریه آینده به عنوان اهرم فشاری بر دولت دمشق و متحدانش بهره‌برداری کند. آنکارا در حالی به چنین هدفی چشم



سازمان ملل: ۷۵ درصد از ملت یمن نیازمند کمک‌های فوری هستند
سازمان ملل متحد در تازه‌ترین گزارش خود درباره اوضاع یمن اعلام کرد که ۷۵ درصد از مردم این کشور، نیازمند کمک‌های انسان دوستانه فوری هستند. این سازمان اعلام کرد که در سال جاری میلادی، ۱۳ میلیون شهروند یمنی نیاز به این کمک‌ها دارند. سازمان ملل افزود که ۸ میلیون شهروند یمنی، نمی‌توانند غذای خود را برای یک روز دیگر تأمین کنند.
از آغاز تجاوز عربستان به یمن تاکنون بیش از ۱۰ هزار یمنی به شهادت رسیده و بیش از ۲۱۲۳۳ نفر نیز مجروح شده‌اند. شمار زیادی از شهدا و مجروحان زن و کودک هستند.

«فادی الشمیری» عضو جریان حکمت ملی عراق در گفت‌وگو با بیت المقدس:

دشمنان ملت عراق نگران نتیجه انتخابات پارلمانی هستند



نمایندگان پارلمان عراق پس از کش و قوس‌های فراوان چند روز اخیر در نهایت طرح برگزاری انتخابات پارلمانی در موعد مقرر را به تصویب رساندند. بر اساس قوانین موجود در قانون اساسی و تصویب طرح اخیر نمایندگان، انتخابات پارلمانی می‌بایست در موعد مقرر خود یعنی در روز ۱۲ می (۲۲ اردیبهشت ماه) برگزار شود.

فؤاد معصوم رئیس‌جمهور عراق تمامی دستگاه‌های عراقی را ملزم به اجرای ابلاغیه زمان برگزاری انتخابات پارلمانی عراق در سال ۲۰۱۸ که نخستین انتخابات پس از آزدسازی مناطق مختلف این کشور از یوغ گروه تروریستی داعش به شمار می‌رود با «فادی الشمیری» عضو جریان حکمت ملی عراق وابسته به سید عمار حکیم گفت‌وگو کردیم که شرح آن از نظر می‌گذرد:

در ابتدا لطفاً در خصوص ویژگی‌های ائتلاف جریان شیعه در عراق و ائتلاف‌های مهم در انتخابات سیاسی آتی توضیح دهید.

یکی از مهم‌ترین و گسترده‌ترین ائتلافات شیعی در عرصه این انتخابات که فرامذهی و به دنبال انجام اصلاحات در کشور است، ائتلاف «النصر» می‌باشد که علاوه بر داشتن برنامه و چشم‌انداز برای آینده کشور، از لحاظ اعتقادی و فکری نیز دارای انسجام است. سید عمار حکیم و حیدر العبادی به همراه دیگر گروه‌ها و اقلیت‌ها در این ائتلاف و جریان حضور دارند. ائتلاف مهم دوم نیز ائتلاف «الفتح» به ریاست هادی العامری با حضور سازمان بدر، العصاب، المجلس الاعلی و مجموعه‌ای از گروه‌ها و احزاب سیاسی متکی بر مردم است. جریان سوم هم ائتلاف «مقتدی صدر» می‌باشد که ائتلافی مهم و شامل مردم و متمرکز بر مناطق جنوبی است. جریان چهارم نیز از ائتلاف «نوری المالکی» و دولت قانون می‌توان نام برد که شیعی است. این جریان‌ها و ائتلافات برجسته در این زمینه می‌باشند.

آینده ائتلاف‌ها و جریان‌های شیعه و همچنین انسجام فکری میان آن‌ها را در عرصه سیاسی عراق چگونه ارزیابی می‌کنید؟ به نظر شما کدام یک از این جریان‌ها در آینده عراق نقش پررنگ‌تری خواهند داشت؟

سید عمار حکیم طرح ملی را مطرح کرده و به دنبال

در بر گرفتن اکثریت برای کسب کرسی‌های بیشتر در پارلمان است. این ائتلاف، ائتلاف حاکم خواهد بود و به همراه گروه‌های نزدیک به خود از لحاظ فکری حرکت می‌کند. این ائتلافی گسترده است و در آن برخی جریان‌های سنی و کرد نیز حضور دارند که علاوه بر انسجام فکری، برنامه و طرحی واحد و مورد توافق در دست دارند. اینها دولت را تشکیل خواهند داد و دیگران نیز در چارچوب معارض باقی می‌مانند. بنای سیاسی مادر آینده و روشی که در پیش خواهیم گرفت، بدین صورت است که اکثریت و اقلیت در حوزه سیاسی شکل بگیرد. البته برتری‌های فرقه‌ای و گروهی وجود ندارد اما طبیعت انتخابات کسب کرسی‌های بیشتر است. این گروه پس از تشکیل دولت، به اقدامات عمومی و خدمت‌رسانی و اقتصادی و روابط خارجی مشغول خواهد شد. بنابراین اکثریت غالب به این سو می‌رود و اقلیت نیز در پارلمان مشغول وضع قوانین خواهد بود.

مردم در مناطق سنی‌نشین و کردها اکنون فهمیده‌اند که دولت عراق تنها نهادی است که از حقوق آن‌ها در تمامی زمینه‌ها حمایت و حفاظت می‌کند



در ماه‌های گذشته شاهد بروز بحران‌های سیاسی و اقتصادی و امنیتی در اقلیم کردستان عراق بودیم که به عنوان آخرین نمونه آن همه پرسه جدایی را می‌توان نام برد. حضور کردها در انتخابات پارلمانی را پس از بحران‌های اخیر و نقش ائتلاف «برهم صالح» در ائتلاف‌های سیاسی اقلیم کردستان را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

طبق ارزیابی من در حال حاضر کردها از مشکلات داخلی در عرصه سیاسی رنج می‌برند و دولت مرکزی اولاً باید حاکمیت خود را بر تمام سرزمین عراق از جمله اقلیم کردستان به ویژه فرودگاه‌ها و گذرگاه‌ها و مراکز امنیتی آن طبق قانون اساسی تحکیم کند. از سوی دیگر جریان‌های سیاسی اقلیم کردستان در حال حاضر به دنبال کسب توافقی با بغداد هستند تا خود را از بحران‌های موجود در اقلیم پس از همه پرسه نجات دهند. بغداد نیز این موضوع را می‌پذیرد اما مشروط به پایبندی به قانون اساسی. ائتلاف‌های کردی اکثریت آنها هستند و فقط جریان التغيير و حزب اتحادیه میهنی و همچنین ائتلاف برهم صالح تجمیع شده‌اند. بنابراین در داخل خود اقلیم کردستان هر حزبی با توجه به پایگاه مردمی خود، به تنهایی اقدام می‌کند ولی در استان‌هایی مانند کرکوک، شاهد تجمیع احزاب و ائتلاف هستیم. «برهم صالح» در تعیین سرنوشت کردها در پارلمان عراق نقش پررنگی دارد و بر تعداد کرسی‌های تصاحب‌شده در پارلمان تأثیر می‌گذارد. برهم صالح مقبولیت بالایی در میان کردها دارد و علاوه بر آن از روابط خوبی نیز برخوردار است. ما به روی همه آغوشمان باز است و معتقدیم که اگر کردها نیز دست از اقدامات گذشته که برای همه هزینه به بار آورد و عقب‌گرد داشتیم، بردارند می‌توانیم با هم همکاری داشته‌باشیم. منتها باید با عراق یکپارچه همسو باشیم.

الحشد الشعبی به عنوان یکی از نهادهای مردمی نظامی در آینده سیاسی عراق چه نقشی خواهد داشت؟

الحشد الشعبی یک نهاد نظامی قوی و دارای دستاوردهای اعجاز‌آمیز است و همه گروه‌های مردمی و سیاسی نیز در آن مشارکت دارند. این گروه به هیچ حزب یا جریانی تعلق ندارد اما برخی در صدد استثمار یا احتکار الحشد الشعبی به نفع خود هستند. معتقدم که این خطر بزرگی است. همه ما پیرو آیت‌الله سیستانی هستیم و شیعیان نیز مدافع ایشان می‌باشند. در عرصه سیاسی گروه عمار حکیم، ائتلاف النصر و الفتح و جریان مقتدی صدر به همراه عصاب و دیگر گروه‌ها در واقع الحشد الشعبی را در عرصه سیاسی تشکیل داده‌اند. بنابراین من معتقدم که باید الحشد الشعبی را به عنوان یک قدرت نظامی برای هدف قرار دادن متجاوزان حفظ کرد. در تشکیل این گروه نظامی نقش حمایتی ایران را فراموش نمی‌کنیم.

آیا برخی رژیم‌های عربی موجود در منطقه مانند سعودی‌ها در صدد اعمال فشار بر جریان‌های سیاسی در عراق هستند تا بدین صورت در امور داخلی عراق دخالت کنند؟

واضح است که کشورهای منطقه به ویژه کشورهای عربی منافعی در منطقه دارند و در صدد کسب آن در پرونده‌هایی مانند سوریه، عراق، یمن، مصر، لیبی و کشورهای حوزه خلیج فارس هستند. متأسفانه این دست‌ها و کشورها برای تسکین دردها و حل مشکلات فعالیت نمی‌کنند. مردم عراق امروز نسبت به گروه‌ها و جریان‌هایی که از خارج خط می‌گیرند و به دنبال کسب منافع خارجی‌ها به نام مردم هستند، بسیار هوشیار و آگاهند. مردم در مناطق سنی‌نشین و کردها نیز اکنون فهمیده‌اند که دولت تنها نهادی است که از حقوق آن‌ها در تمامی زمینه‌ها حمایت و حفاظت می‌کند. به همین دلیل نیز برخی دولت‌ها از اجرای این انتخابات هراس دارند زیرا می‌دانند که جایگاهشان آسیب خواهد دید و در عرصه سیاسی عراق ضرر خواهند کرد که البته این به نفع کشور و تحکیم جبهه داخلی است. در این شرایط دولت بهتری می‌توان تشکیل داد که اعتماد مردم را هم جلب کند و حقوق آن‌ها را در همه زمینه‌ها استیفا نماید. ما نیز در ائتلاف النصر برای این امر تلاش می‌کنیم.



سعد الحریری: می‌خواهم بهترین رابطه را با ایران داشته باشم

سعد الحریری، نخست‌وزیر لبنان در همایشی در حاشیه «جمع جهانی اقتصاد» در داووس سوئیس گفت کشورش باید با ایران کنار بیاید. وی گفت: ایران کشوری است که باید با آن کنار بیاییم. هر ملتی بایستی بداند چطور می‌خواهد با ایران کنار بیاید. نخست‌وزیر لبنان افزود: من در جایگاه نخست‌وزیر می‌خواهم بهترین رابطه را با ایران داشته باشم، ولی می‌خواهم که این رابطه در سطح حکومت به حکومت باشد نمی‌خواهم اینطور باشد که کسی در لبنان- مثل حزب الله یا دیگران- در لبنان سرمایه‌گذاری کنند بدون اینکه به من چیزی گفته شود.

ضمیمه هفتگی جهان اسلام روزنامه قدس

قبله اول

علی اصغر بروجردی

گسل‌های اسرائیل تبدیل به زلزله می‌شود؟



گسل مذهبی

«کار کردن در روز شنبه یا تعطیلی این روز؟» مسئله‌ای که اخیراً در مطبوعات رژیم صهیونیستی تبدیل به بحث روز شده است. اختلافی که اگر چه در ظاهر امر مهمی به نظر نمی‌آید اما نشان دهنده وجود گسلی است که هر چند وقت یکبار فعال می‌شود. گرچه شکاف‌های متعددی در جامعه اسرائیل وجود دارد؛ اما شاید هیچ‌یک به عمق و خطرناکی این یکی نباشد و آن چیزی نیست جز شکاف بین حریدی‌ها (بنیادگرایان صهیونیست) و سکولارها.

در تورات پیرامون حفظ حرمت روز شنبه آمده است: «و در روز هفتم از همه کار خود که ساخته بود آرامی گرفت» (سفر پیدایش) یهودیان روز شنبه را روز رهایی از فرعون می‌دانند و برای این روز مناسک ویژه‌ای دارند (خواندن نماز مخصوص، خواندن سرود در کنیسه‌ها، خوردن غذای مخصوص روز شنبه و...) گروهی از بنی اسرائیل از بدو صدور این دستور الهی از تعطیل کردن این روز به لطایف الحیل امتناع می‌کردند که در قرآن کریم در آیه ۱۶۳ سوره اعراف به این مسئله اشاره شده است: «وَأَسْأَلُهُمْ غِنِ الْقَرْيَةِ الَّتِي كَانَتْ خَاضِرَةَ الْبَحْرِ إِذْ يَعْدُونَ فِي السَّبْتِ إِذْ تَأْتِيهِمْ جِثَاتُهُمْ مِنْ سَبْتِهِمْ شُرَّعًا وَيَوْمَ لَا تَسْبَوْنَ لِأَنْ تَأْتِيَهُمْ - كَذَلِكَ نُبَلِّغُهُمْ مِمَّا كَانُوا يُفْسِقُونَ» از آنها درباره (سرگذشت) شهری که در ساحل دریا بود پرسیدیم؛ زمانی که آنها در روزهای شنبه، تجاوز (و نافرمانی) خدای کردند؛ همان هنگام که ماهیانشان، روز شنبه (که روز تعطیل و استراحت و عبادت بود) بر سطح آب آشکار می‌شدند؛ اما در غیر روز شنبه، به سرعت آنها نمی‌آمدند؛ این چنین آنها را به چیزی آزمایش کردیم که نافرمانی می‌کردند»

در واقع بنی اسرائیل برای فرار از دستور الهی مبنی بر تعطیلی کار در روز شنبه تور ماهیگیری خود را جمعه شب پهن می‌کردند تا ماهی‌ها در آن بیفتند و یکشنبه برای برداشتن آنها اقدام کنند. این مسئله همچنان محل نزاع بین یهودیان است. برای مثال لیبرمن وزیر جنگ رژیم صهیونیستی در همبستگی با تجمعات علیه منع فعالیت در روز شنبه سی‌ام دی ماه در بازدید از سوپرمارکت‌های شهر اشدود طی مصاحبه‌ای اذعان کرد: «قانون سوپرمارکت قانونی بی‌معناست» (توضیح اینکه ۱۹ دی ماه کنست قانونی موسوم به سوپرمارکت را تصویب کرد که طبق آن مشاغل برای کار در روز شنبه باید علاوه بر مجوز شهرداری‌های منطقه از وزارت امور داخلی اسرائیل کسب مجوز کنند).

بنی اسرائیل برای فرار از دستور الهی مبنی بر تعطیلی کار در روز شنبه تور ماهیگیری خود را جمعه شب پهن می‌کردند تا ماهی‌ها در آن بیفتند و یکشنبه برای برداشتن آنها اقدام کنند

سیاسی است. عمر ناپایدار دولت‌ها و نخست‌وزیرهای این رژیم به علت فسادهای اخلاقی، اقتصادی و سیاسی باعث فعال شدن این گسل می‌شود. از آخرین نمونه‌های موجود در این زمینه می‌توان به تظاهرات هفتگی و دامنه‌دار علیه فساد نخست‌وزیر نتانیاها اشاره کرد که پیشتر در همین نشریه به آن پرداخته‌ام. در جدیدترین این تظاهرات معترضین در روز شابات، در تل‌آویو و در محوطه کنیسه علیه دادستان کل کشور شعار دادند: «تو کشور را تبه کردی».

گسل نژادی

سیاست آپارتاید و برتری نژادی یکی دیگر از گسل‌های موجود در جامعه اسرائیل است. اخیراً هارآتص از جدایی کودکان آفریقایی تبار از کودکان سفید پوست در برخی مدارس تل‌آویو خبر داد. این روزنامه همچنین نوشت آنها هیچ فعالیت مشترکی با هم ندارند و حتی محوطه بازی و مریدان آنها نیز مشترک نیست. اخراج اجباری پناهجویان سیاه‌پوست سودانی و اریتره‌ای از اسرائیل که جمعیت آنان به ۴۰ هزار نفر می‌رسد از دیگر مصادیق سیاست تبعیض نژادی موجود در سرزمین‌های اشغالی است. جامعه اسرائیل جامعه‌ای موزائیکی است با مردمانی که مخرج مشترک همه آنها یهودی بودن است؛ اما با تشویق، تطمیع یا تهدید از آنس جهانیه یهود در این سرزمین جمع شده‌اند. بدون تردید گسل‌های موجود در جامعه اسرائیل بیش از آن چیزی است که در اینجا به آن پرداخته شد و اگرچه فعالیت این گسل‌ها تاکنون نتوانسته زلزله مهیبی را با خود به همراه بیاورد. اما از آن جایی که مقامات رژیم صهیونیستی سیاست روشن و واحدی را در برابر این مشکلات ندارند دور از انتظار نخواهد بود که در آینده شاهد تکانه‌های شدیدتری از این گسل‌ها باشیم.

مدیرانه است که ۶۰ درصد کل واردات این رژیم از این بندر انجام می‌شود. یکی از مهم‌ترین درگیری‌های تاریخی بین حریدی‌ها و سکولارها در سال ۱۹۹۶ م. روی داد. هنگامی که حریدی‌ها در روز شنبه به صورت مکرر خیابان بار-ایلان را در اورشلیم می‌بستند که بر اثر شکایت شهروندان رسیدگی به مسئله به دادگاه عالی واگذار شد. دادگاه عالی کمیته‌ای را برای حل اختلاف تشکیل داد اما حریدی‌ها برای به کرسی نشاندن حرف خود در اقدامی بی‌سابقه در روز ۴ دسامبر ۱۹۹۶ م. به سمت تل‌آویو سرازیر شدند. جمعیت آنها به ده هزار نفر می‌رسید. آنها خواستار حفظ حرمت روز شنبه و اخراج هر کسی که حرمت این روز را حفظ نمی‌کند از کل سرزمین‌های اشغالی شدند. در مقابل صداهانفر از شهروندان تل‌آویو در مقابل آنها تجمع کرده و شعار می‌دادند: «ما آمده‌ایم ابرهای تیره را کنار بزنیم». در مقابل حریدی‌ها در شنبه شب گذشته مورخ ۳۰ دی ماه همزمان با اوج گیری تجمعات علیه تعطیلی شنبه با پلیس اسرائیل که قصد انتقال و کالبدشکافی جسد یک مقتول را داشت به شدت درگیر شدند و سطل‌های زباله را آتش زدند. همچنین حزب یهودیت تورات که یک حزب سیاسی-مذهبی محسوب می‌شود از نتانیاها، نخست‌وزیر اسرائیل خواست فوراً لیبرمن را به علت تعمیق تفرقه در جامعه اسرائیل و تضعیف علنی قداست روز شنبه توبیخ کند. از دیگر مصادیق اختلافات بین حریدی‌ها و سکولارهای موجود در رژیم صهیونیستی می‌توان به قانون ازدواج یهودیان با یهودیان، محتوای آموزش در مدارس دینی و سکولار، مقررات غذای حلال و حرام و... اشاره کرد.

گسل سیاسی

گسل دیگری که در جامعه اسرائیل وجود دارد گسل

حریدی‌ها همان یهودیان متعصب و ارتدکس جامعه اسرائیل هستند که طبق یک برآورد حدود ده درصد از جمعیت سکنه سرزمین‌های اشغالی را تشکیل می‌دهند و در مقابل حدود نیمی از مردم اسرائیل خود را غیر مذهبی دانسته‌اند. یهودیان ارتدکس همان بنیادگرایان مذهبی هستند که البته سهم کمتری از کلیت جامعه مذهبی اسرائیل را تشکیل می‌دهند. به عبارت دیگر افرادی که ملتزم به مناسک مذهبی هستند جمعیت بیشتری از ارتدکس‌ها (حدود سی درصد) دارند. یهودیان سکولار معتقد به تفکیک بین آموزه‌های مذهبی یهود و امر حکومت‌داری هستند. این اختلاف از اواسط قرن ۱۸ میلادی بین این دو گروه تشدید شد؛ هنگامی که بخشی از یهودیان از حصارهای بسته‌زندگی حاشیه‌ای، خود را رها کرده و در فرهنگ غیر مذهبی و سرمایه‌داری اروپا وارد شدند و عده‌ای دیگر ترجیح دادند در محدوده فرهنگی اجتماعی خود باقی بمانند. از جمله آخرین تجمعات یهودیان سکولار، تجمع چندین هزار نفره ساکنان بندر اشدود در غرب سرزمین‌های اشغالی علیه تعطیلی کار در روز شنبه بود. اشدود یکی از شهرهای مهم تجاری رژیم صهیونیستی در کنار دریای



درخواست سازمان ملل از اسرائیل برای پایان شهرک‌سازی‌ها

سازمان ملل متحد خواستار پایان شهرک‌سازی‌های رژیم صهیونیستی شد. در یک بررسی سازمان ملل از مسائل حقوق بشری در اراضی اشغالی فلسطین، ۲۴۰ مورد پیشنهاد مطرح شده که پایان توسعه شهرک‌سازی این رژیم جزء آن است. در همین حال، رژیم صهیونیستی اعلام کرده است برای بررسی ۳۳۲ پیشنهادی که کشورهای مختلف در کارگروه شورای حقوق بشر سازمان ملل در ژنو مطرح کرده‌اند، زمان نیاز خواهد داشت. این رژیم با اشاره به اینکه، «کشور فلسطین» نیز هشت پیشنهاد مطرح کرده است، اعلام کرده است «طبق قانون بین الملل، آنها معیار کشور بودن را ندارند.» در همین حال، آلمان نیز اعلام کرد، رژیم صهیونیستی باید به شیوه‌های مجازات جمعی از جمله تخریب خانه‌ها، ابطال حق سکونت در شرق قدس و بستن ورودی مناطق، پایان دهد.



تحلیلی بر سری جدید بازی رایانه‌ای Call of Duty

محمدجواد مهدی زاده



ندای گشتار برای آمریکا



باید گفت که تا امروز هیچ کدام از بازی‌های سبک تیراندازی اول شخص نتوانسته‌اند محبوبیت «ندای وظیفه» یا همان Call of Duty را بدست بیاورند. اولین سری این بازی، که با موضوع جنگ جهانی دوم ساخته شد، یک غافلگیری واقعی برای طرفداران این سبک از بازی‌های رایانه‌ای در سال ۱۳۸۲ (۲۰۰۳) به حساب می‌آمد.

با این حال پس از ساخت سری‌های «ندای وظیفه»؛ «تجهاز متفقیان»، «ندای وظیفه»؛ برترین ساعت»، «ندای وظیفه ۲» و چند نمونه دیگر از نبردهای متفقیان (آمریکا - انگلیس - شوروی و کشورهای هم‌سو) در جنگ جهانی دوم، این بازی در سری‌های «ندای وظیفه»؛ جنگ افزار مدرن» و «ندای وظیفه»؛ بلک آپس» به سراغ جنگ سرد و تقابل آمریکا با روسیه آمد که نتوانستند محبوبیت سری‌های جنگ جهانی دوم را بدست آورند. این موضوع باعث شد که شرکت «اکتیویژن»، به عنوان سازنده و صاحب امتیاز اصلی این بازی، بار دیگر به سراغ جنگ جهانی دوم بیاید. بازگشت اکتیویژن با «ندای وظیفه»؛ جنگ جهانی دوم» را باید یک بازگشت موفقیت‌آمیز برای این بازی و شرکت سازنده آن به حساب آورد.

حالت روایی داستان سری جدیدندای وظیفه یک مزیت قابل توجه در این سری از بازی نسبت به نمونه‌های قبلی آن است. آغاز بازی با نشان دادن صحنه‌هایی از ورود نیروهای ارتش آلمان هیتلری به پاریس در بهار ۱۹۴۰، حملات هوایی نیروی هوایی آلمان (لوفت‌وافه) به لندن و سپس ورود آمریکا به جنگ و صحنه درگیری‌های سرچوخی «رونالد دنیلز» (ملقب به رد/شخصیت اصلی بازی) با نظامیان آلمانی را باید تاکتیک جذابی برای آغاز بازی دانست.

در کنار شخصیت دنیلز، چند شخصیت محوری دیگر وجود دارند که مهم‌ترین آن‌ها سرباز «رابرت زاسمن» است. «زاسمن» تلفظی آمریکایی برای کلمه آلمانی «زوسمان» است. زاسمن یک یهودی آلمانی - آمریکایی است. وی قبل از دیگران با دنیلز پیمان دوستی می‌بندد و در اولین عملیات بازی، در ساحل نرماندی در شمال فرانسه طی عملیات معروف «روز حمله نهایی» (دی ۶ - ژوئن ۱۹۴۴)، جان دنیلز را از حمله یک سرباز آلمانی نجات می‌دهد.

زاسمن، که وظیفه‌مندارسانی و فراهم کردن کمک‌های اولیه برای دنیلز را در طول بازی دارد، طی یک حمله ضربتی در عملیات گسترده نیروهای مسلح آلمان و داوطلبان اروپایی متحد رایش (نبرد گسترش - دسامبر ۱۹۴۴ و ژانویه ۱۹۴۵) در جنگل‌های آردن بلژیک به

اسارت آلمانی‌ها درمی‌آید. در آخرین عملیات بازی، دنیلز در یکی از جنگل‌های واقع در مرکز آلمان، موفق به نجات او هنگام اعدام توسط یک افسر عالی‌رتبه آلمانی به نام «متز» می‌شود. رابطه نزدیک «دنیلز» (با موی بور و چشمان زاغ به عنوان نماد چهره انگلوساکسون) و «زاسمن» (فردی با بینی کشیده، چشمان درشت و چهره گندم‌گون به عنوان نمادی از چهره یهودی) را می‌توان نمادی از اتحاد فراماسونری و یهود دانست. این موضوع در چند جای بازی به خوبی نشان داده می‌شود.

تسلط زاسمن به زبان آلمانی در موارد متعددی مانند شناسایی نقشه آلمان برای انفجار آخرین پل رود «راین» به کار آمریکایی‌ها می‌آید. وی در عین حال، تلاش می‌کند که نشان دهد تمام آلمانی‌ها بد (عبارت مد نظر

وی برای هیتلر و نیروهای وفادار به وی در آلمان) نیستند. اسارت زاسمن در اردوگاه کار اجباری آلمانی‌ها به مدت نزدیک به ۴ ماه، تأکید دیگری برای زنده کردن ماجرای دروغین «هولوکاست» توسط سازندگان بازی است؛ ماجرای که بسیاری از افراد محقق در غرب با زیر سوال بردن آن، با زندان، جریمه نقدی یا ممنوعیت سفر و مصاحبه در بسیاری از کشورهای مدعی آزادی و دموکراسی مواجه شده‌اند.

شخصیت دنیلز در بازی توسط سه نفر فرماندهی می‌شود: «سرهنگ دیویس»، «ستوان ترنر» و مهم‌تر از همه «استوار پیرسون». اگر دیویس را نماد نظام آمریکادار نظر بگیریم، دو افسر جزء وی یعنی ترنر و پیرسون را به خوبی می‌توان نماد دو جریان رقیب در این نظام به حساب آورد. ستوان جوزف ترنر شخصیتی محبوب میان نیروهای خود است که در میان عملیات بر روی جنازه مرده‌ها مانند مسیحیان رو صورت و سینه‌اش، علامت صلیب می‌کشد و حتی میان نبرد در شهر «آخن» آلمان، اولین شهر این شهر که در اکتبر ۱۹۴۴ توسط متفقیان اشغال شد، از نجات غیر نظامیان آلمانی غافل نیست. او بر سر توجه به وضعیت سربازان خود، بارها با پیرسون درگیر می‌شود.

نقطه مقابل وی، استوار ویلیام پیرسون است. او پس از شکست تلاش ناموفق برای نجات جان نیروهایش در گذرگاه «قاصرین» در تونس در ۱۹۴۳، از درجه ستوانی به استواری تنزل داده شد. پیرسون شخصیتی بسیار خشن و بی‌رحم، حتی در برابر نیروهای خود دارد و نه تنها مانع دادن آب به اسرای آلمانی می‌شود بلکه سعی می‌کند دنیلز را هنگام مجروح شدن در درگیری با آلمانی‌ها، به علت ترمزد از دستور، بکشد که حضور دوستان دنیلز مانع از این کار می‌شود.

شخصیت ترنر را تا حدی می‌توان نماد سیاستمداران دموکرات و شخصیت پیرسون را الگویی کامل از رفتار مقامات ارشد جمهوری خواه آمریکا، خصوصاً جرج بوش و دونالد ریگان، دانست.

نکته قابل توجه این است که بازی با مرگ ترنر در جنگل «هرتگن» در آلمان، به مخاطب خود این پیام را می‌دهد

که با وجود افرادی مانند ترنر، تنها اشخاصی با منش و تفکر سخت و بی‌رحم پیرسون می‌توانند آمریکادار برابر دشمنانش حفظ و بر آنان پیروز کنند.

شخصیت‌های مهم دیگر در بازی، علاوه بر دو سرباز آمریکایی، نیروهای ویژه انگلیسی و یک افسر زن عضو نیروهای مقاومت فرانسه به نام «کامیلا دنیس روسو» هستند که نام وی، «ژان ژاک روسو» فیلسوف و نظریه‌پرداز بزرگ فرانسوی را به ذهن یادآوری می‌کند. در بخشی از بازی، بازیکن در نقش روسو قرار می‌گیرد تا با تظاهر به هویت یک افسر زن آلمانی، به پادگان مرکزی ارتش آلمان و واپس اس‌اس در شهر پاریس نفوذ کند و علاوه بر کشتن «ژنرال هاینریش»، فرمانده این پادگان، راه نفوذ نیروهای آمریکایی به این دژ نظامی را فراهم کند.

یکی از نکات جذاب بازی، یادآوری خاطره مرگ «پل» برادر دنیلز توسط گرگ‌ها است. کلمه «گرگ» لقبی بود که هیتلر بارها از آن برای خود استفاده کرد. نمونه این موضوع را می‌توان در نام‌گذاری مقر عملیاتی وی در شمال شرق آلمان قدیم (شمال شرق لهستان امروزی) به «لانه گرگ» مشاهده کرد.

در سکانس‌های انتهایی بازی، پس از نشان دادن اظهارات سرهنگ دیویس و استفاده وی از عبارت «انجمن برادری قهرمانان» (عبارتی که نام انجمن‌های ماسونی را در ذهن مخاطب زنده می‌کند)، شخصیت دنیلز به بیمارستان برای دیدن زاسمن، که از اسارت آلمانی‌های شکست خورده آزاد شده است، می‌رود و بار دیگر بر عهد خود با وی تأکید می‌کند.

سکانس پایانی بازی در نگراس و محل زندگی دنیلز، که پایگاه ثابت ژنرال پیرسونی و برده‌داری در تاریخ آمریکا است، نشان داده می‌شود. دنیلز با گذاشتن مدال افتخار خود روی قبر پل و تأکید بر حضور گرگ‌ها در اطراف خانه، به مخاطب می‌فهماند همیشه افرادی مانند هیتلر وجود دارند و خواهند داشت که باید با آنان جنگید تا آمریکا، پناهگاه یهودیانی مانند زاسمن، همیشه امن بماند.

دنیلز با گذاشتن مدال افتخار خود روی قبر پل و تأکید بر حضور گرگ‌ها در اطراف خانه، به مخاطب می‌فهماند همیشه افرادی مانند هیتلر وجود دارند و خواهند داشت که باید با آنان جنگید تا آمریکا، پناهگاه یهودیانی مانند زاسمن، همیشه امن بماند





دنیای پر حادثه

مهدی چراغ زاده

همه را داغ جوان غصه و غم می آید
تا که بر دوش جوانان حرم می آید
چه مراعات قشنگی ست پدر، عشق، پسر
که رسانیده غم عشق، پسر را به پدر
آه از داغ برادر که کمر می شکند
سرواگر هست، ولی باز پدر می شکند
ما که با درد چنین مونس و همدم هستیم
زاده روز نخستین محرم هستیم
جنگ اگر هست همه عشق شهادت داریم
ما به دنیای پر از حادثه عادت داریم
عشق آموخت ره کربلا پرواز است
یادمان داد در باغ شهادت باز است
یادمان داد که این راه جگر می خواهد
سفر کربلا مرد خطر می خواهد
عجبی نیست که در حادثه ها تنها بمانیم
غیر از این است که ما بچه عاشورا بمانیم؟
یاد یاران سفر کرده بخیر ای یاران
«حاج رضوان» و «جهاد» و خط سرخ «چمران»
بنویسید بروی علم حزب الله
هر که دارد هوس کربلا بنویسید

خیلی دور خیلی نزدیک



پافشاری شیعیان بحرین بر اقامه نماز در خرابه های مسجد العلوایات بحرین که توسط حکومت تخریب شده است/ از آغاز انقلاب بحرین رژیم آل خلیفه ۳۹ مسجد شیعیان بحرین را تخریب نموده است.



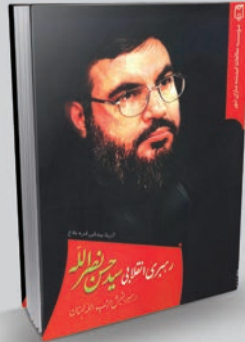
آخرین اخبار منطقه ای وبین المللی در کانال «مرکز مطالعات خلیج فارس»



مرکز مطالعات خلیج فارس (NGO) تنها مرکز خلیج فارس شناسی است که به صیانت از نام خلیج فارس، بررسی های راهبردی، رصد اندیشکده ها و مراکز مهم مطالعاتی دنیا می پردازد. این مرکز علاوه بر فعالیت های پژوهشی متنوعی که انجام می دهد، در حوزه اطلاع رسانی هم فعال بوده و در دو قالب پایگاه اطلاع رسانی (سایت) و کانال تلگرامی به انتشار اخبار حوزه فعالیت خود می پردازد. آنچه در کانال تلگرامی مرکز مطالعات خلیج فارس منتشر می شود از تنوع بالایی برخوردار بوده و به نحوی می شود گفت تنها محدود به اخبار حوزه خلیج فارس و کشورهای حاشیه آن نیست، بلکه اخبار کشورهای غرب آسیا هم بخش دیگری از محتوای این کانال را تشکیل می دهد. همچنین اخبار قدرت های بین المللی و انعکاس فعالیت های آنها مرتبط با حوزه غرب آسیا و خلیج فارس هم سهم قابل توجهی از مطالب کانال مرکز مطالعات خلیج فارس را به خود اختصاص می دهد. انتشار برخی فیلم ها و تصاویر کمتر دیده شده مرتبط با حوزه روابط بین الملل هم از دیگر بخش های کانال است. مقالات پژوهشی و ترجمه نشریات خارجی هم در میان مطالب کانال دیده می شود. برای دسترسی به کانال تلگرامی مرکز مطالعات خلیج فارس باید از لینک <https://t.me/persiangulfstudies> استفاده نمود. همچنین پایگاه اطلاع رسانی این مرکز به آدرس www.persiangulfstudies.com قابل دسترسی است.



نصرالله؛ رهبری انقلابی



جنبش مقاومت اسلامی لبنان که اوایل دهه ۸۰ میلادی برای مقابله با تجاوز رژیم صهیونیستی به کشورشان توسط جوانانی بانگیزه اما کم تجربه و کم شمار شکل گرفت، اکنون جایگاهی یافته است که بسیاری از کارشناسان و مقامات کشورهای مختلف آن را باز یگری موثر در تحولات غرب آسیایی دانند. در این تغییر جایگاه نقش آفرینی عوامل متعددی موثر بوده اند اما بدون شک از نقش کلیدی وی بی دلیل دبیر کل شجاع باهوش، مدبر و مدبر حزب الله لبنان، جناب سید حسن نصرالله نمی توان غافل شد و در همین باب آثار و کتب و مقالات متعددی در جهان نوشته شده است. کتاب «رهبری انقلابی سید حسن نصرالله» نوشته خانم آزیتا بیدقی قره بلاغ از جمله این آثار است. این کتاب به بررسی تأثیر عوامل شخصیتی، اجتماعی، سیاسی و مذهبی بر ایجاد تصویری انقلابی از رهبر حزب الله لبنان به عنوان رهبری انقلابی با ویژگی های خاص و منحصر به فرد می پردازد. کتاب ضمن بررسی موضوع در چارچوب نظری «تنوری رهبری» از دیدگاه اندیشمندان غربی، به بررسی دیدگاه ها و نظریات آنان در باره ویژگی های رهبری از جمله رهبری انقلابی پرداخته و در ادامه ضمن تحلیل شرایط داخلی لبنان و تحولات منطقه به ویژه جنگ های میان حزب الله و رژیم صهیونیستی، مؤلفه های موجود در فرهنگ سیاسی شیعه و انقلاب اسلامی ایران را در تکوین ویژگی های انقلابی سید حسن نصرالله مورد بررسی قرار داده است. در بخشی از متن این کتاب آمده است: «سید حسن توانسته است جمع را حفظ کند و به خرد جمعی نقش دهد. سید می تواند همه مردم لبنان و نه تنها شیعیان را جذب کند. نبیه بری، رئیس مجلس لبنان و رهبر جنبش امل، در مقطعی زمانی با حزب الله جنگیده است. نبیه بری امروز ممنون سید است و اعتقاد دارد که سید توانست طی جنگ ۳۳ روزه وحدت و یکپارچگی ملت لبنان را حفظ کند».



«۳۳ روز»؛ روایتی از مقاومت تاریخی لبنانی ها



فیلم «۳۳ روز» به کارگردانی جمال شورجه و براساس حوادث مستند و واقعی جنگ ۳۳ روزه رژیم صهیونیستی علیه لبنان ساخته شده است. در این فیلم به برخی از اتفاقات ۳۳ روز نبرد و درگیری رژیم صهیونیستی با رزمندگان حزب الله لبنان پرداخته شده است و مقاومت اهالی روستای عینا الشعب در جنوب لبنان را طی جنگ ۳۳ روزه نشان می دهد. «۳۳ روز» با همکاری مشترک بنیاد سینمایی فارابی و حزب الله لبنان و مساعدت ارتش و دولت لبنان تهیه شده است. در این فیلم که نویسنده آن علی دادرس است و به تهیه کنندگی مهدی همایونفر تولید شده همه بازیگران از سوریه و لبنان انتخاب شده اند که عبارتند از: پیر داغر (اوی)، باسم مغنیه (محمد)، یوسف الخال (یوسف)، کارمن لبوس (ام عباس)، نسریین طافش (حنان)، کنیدا علوش (نسرین)، دارین حمزه (هانا) و زبان فیلم هم عربی است که البته باز بر نویس فارسی در ایران به نمایش در آمد. همچنین بخش هایی از فیلم به زبان عبری است که در نسخه اصلی هم به زبان عربی زیرنویس شده است. ۳۳ روز در بسیاری از کشورهای دنیا و از جمله کشورهای عربی اکران شد و در برخی از جشنواره های بین المللی هم حضور یافت اگر چه پخش آن در برخی کشورها هم با حواشی همراه بود. حتی برخی گروه های سیاسی لبنانی مانع اکران آن در بعضی از مناطق این کشور شدند.